



ناد
نشریه انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه صنعتی امیر کبیر
شماره ۸
آبان ماه ۱۳۹۵

* استفاده و تکثیر مطالب برای عموم آزاد است.
 * این نشریه زیر نظر هیئت تحریریه انجمن اسلامی دانشجویان می باشد.

صاحب امتیاز:
انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه صنعتی امیر کبیر
مدیر مسئول: امین هنری
سر دبیر: علی دهقان

Anjoman_Eslami_Amirkabir
 Anjoman.Eslami1342@gmail.com

امام خامنه ای (مدظله العالی):
 از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می کند، نمود اشرافیگری در مسوولان بالای کشور است.
 ۱۳۸۰/۶/۵



دعوای مفسد بی ریش و ریش دار!!!



چندیست روشن شدن پرونده های فساد کلان در کشور از فیش های نجومی گرفته تا املاک رانتی باعث دلزدگی مردم از جریانات سیاسی حاکم و احزاب موجود شده است. اما موضوعی که باعث افزوده شدن بر این ناراحتی می باشد و مردم را بیشتر از خود این فساد ها دلزده میکند، نحوه برخورد احزاب و رسانه ها و حتی گاهها حاکمیت با این فساد ها می باشد. در روز هایی که جامعه در تب و تاب رو شدن این فساد ها بود و روزنامه ها و سایت ها و صدا و سیما در مورد آن صحبت میکردند شاهد یک موضوع بسیار زشت بودیم و آن عدم صحبت رسانه هایی که جهت گیری خاصی داشتند با فساد به اصطلاح جناح مطبوعشان بود. یعنی زمانی که بحث فیش های نجومی مطرح بود اکثر رسانه های اصلاح طلب در مورد این فساد صحبتی نمی کردند و یا به دنبال مقصر هایی از دولت قبل می گشتند و همچنین شعار کی بود کی بود من نبودم را بر سر دست گرفته بودند.

وزمانی که بحث امتیازات رانتی برای املاک نجومی مطرح بود اکثر رسانه های اصولگرا در این باره حرفی به میان نمی آوردند چون احساس میکردند با این کار به جناح مطبوعشان لطمات جدی وارد می شود. اما به راستی چرا باید با این پدیده بسیار زشت در فضای سیاسی کشور مواجه باشیم؟ یکی از آرمان اصلی انقلاب از ابتدا تاکنون مبارزه با اشرافیت و بی عدالتی داخلی و خارجی در تمام وجوه می باشد. اما می بینیم که بعد از گذشت کمتر از ۴ دهه از انقلاب وضعیت برخورد با فساد در کشور توسط سیاسیون مانند سایر کشور های دموکراتیک، حزبی می باشد. بدین معنی که هر حزب تنها با فساد های حزب مخالف خود مبارزه میکند و سعی میکند با تمام ابزار هایی که در دست دارد، فساد های جناح خود را کتمان کند.

از منجلاب سیاست تا سنگر عشق

جدال خونین دو چهره

میان تیتروهای فساد مالی و اختلاس، اخبار شهادت رزمندگان در سوریه چه غریب و مهجور می نمایند. انگار در غوغای مادی گرایی روزمره گسی، با ابدیتی سرشار از سکون و آرامش مواجه شده باشی.

این روزها چهره نظام در سوریه و عراق، قرابتی با چهره اش در خود ایران ندارد. یک سوی خلوص و فداکاری است، یک طرف فساد لجام گسیخته، و منیت های طاغوتی. یکی مامن امن را رها کرده، برای آرمان های انقلاب جانش را کف دست گرفته، یکی برای رسیدن به سفارت و وزارت از هیچ دناقتی ابا نمی کند.

این که چطور دو قطب چنین متضاد می توانند در یک نظام گرد هم بیایند، درکش دشوار است. احتمالاً این پدیده حاصل موقعیتی خاص باید باشد، و ما شاهد یک لحظه تاریخی «گذار» هستیم.

راه مقابله با این وضعیت به وجود آمده برگشتن به نرم افزار خود انقلاب اسلامی و استفاده از مفهومی به نام حضور مستمر مردم در عرصه های اجتماعی (جمهوریت) می باشد. البته بعد ها در شماره ای جدا به این

مفهوم به عنوان یک رکن انقلاب اسلامی می پردازیم. ولی در تحلیل این مسئله و راه حل برای مشکل به وجود آمده در برخورد با فساد حضور مردم یعنی اینکه مردم مانند چشمانی تیزبین در جامعه عمل کنند و در صورت رخ دادن

نظام واحدی داشته باشند، بنا به ماهیت متفاوتند و تعلق به یکدیگر ندارند. این همزیستی عجیب دوام نخواهد داشت، و نهایتاً یکی بر جای می ماند. بنابراین پرسش مهمتر برای دلبستگان انقلاب این است که: کدام یک؟ و من در این میانه کجا ایستاده، و چه می توانم بکنم؟ موضوعی که باید در منتهای خونسردی، زیرکی و واقعگرایی به آن پرداخت، و نه با غلطیدن به ورطه شعارهای روحیه دهنده.

اما صاحب اصلی امروز نظام کیست؟ کدام بخش دیگری را مدیریت می کند؟ آیا انقلابیون، برای عبور از پرتگاه خطر خارجی، محتاج دلال های پاچه ورمالیده شده اند؟ یا غارتگران بیت المال، نیازمند چهره های صادق هستند، تا روی ناپاک خویش را پس آن پنهان کنند؟ جواب پرسش های بالا هرچه که باشد، یک نکته را نباید فراموش کرد: این دو حتی اگر به لحاظ سیاسی تعلق به

قسمتی از نامه یکی از مدافعین حرم:

ما در این جا با کفار می جنگیم
و شما در ایران با دشمنان ولایت
دشمنان ما آشکارند
و دشمنان ولایت پنهان
و جهاد شما از ما دشوار تر...

هر نوع فسادی به مبارزه با آن در حد توان و مطالبه ی اجتماعی بپردازند. حضور مردم در این عرصه ها و مطالبات مردمی آن ها در فضاهایی عمومی ای مانند (جنبش دانشجویی، حضور در نماز جمعه ها، مساجد و غیره) که خود انقلاب به صورت عمومی در اختیار آن ها قرار داده است، باعث میشود این خواست اجتماعی مردم تبدیل به اولویت مسئولین بشود. همچنین یک موضوع دیگر حضور نخبگان انقلابی که مهم ترین و پیشرو ترین آن ها در طول تاریخ انقلاب همین جنبش دانشجویی و حضور دانشجویان آرمانخواه در کف میدان مطالبه از مسئولین می باشد. اگر این نخبگان دانشجویی ملاحظات جناحی را کنار بگذارند و برای مبارزه با فساد به طور دقیق و بدون هیچ حد و مرزی وارد گود شوند، این امید وجود دارد که این قطاری که توسط بعضی سیاسیون در برخورد با فساد منحرف شده است، به ریل اصلی باز گردد. ان شا الله.

سخن بزرگان

وظیفه آحاد امت اسلامی: امر به معروف و نهی از منکر

دامنه امر به معروف و نهی از منکر به همه ساختارها و نهاد های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی گسترده است، چنانکه لازمه برخورداری از حکومت حق و عدل مشروط است به رعایت کامل امر به معروف و نهی از منکر. هر نوع قدرتی را که شما در جامعه فرض کنید، در معرض خطر انحراف از حق است. این شما و این جامعه هستید که باید با توجه به اهمیت و نقش بسیار موثر صاحبان قدرت و کسانی که بر منصب های گوناگون اجتماعی تکیه زده اند در سعادت خود بکوشید. گستره این اصل، به لحاظ عاملان اجرای آن، همه آحاد امت اسلامی هستند، چراکه بنا به نص صریح کتاب و سنت، فرد فرد شما باید بدانید راه رسیدن به سعادت و راه رسیدن به حکومت حق و عدل این است که شما از طریق امر به معروف و نهی از منکر به چنین هدفی برسید.





منطق کدام خمینی؟

خمینی است که می گفت جنگ جنگ تا رفع کل فتنه از جهان و مسیر هم همان مسیری است که خمینی مشخص کرده که برای رفع فتنه باید ریشه فتنه که همان شیطان بزرگ است را نابود کرد و مستضعفان جهان را برای مبارزه با این شیطان آماده کرد همه برای آمدن آن آخرین منجی مضطر کرد.

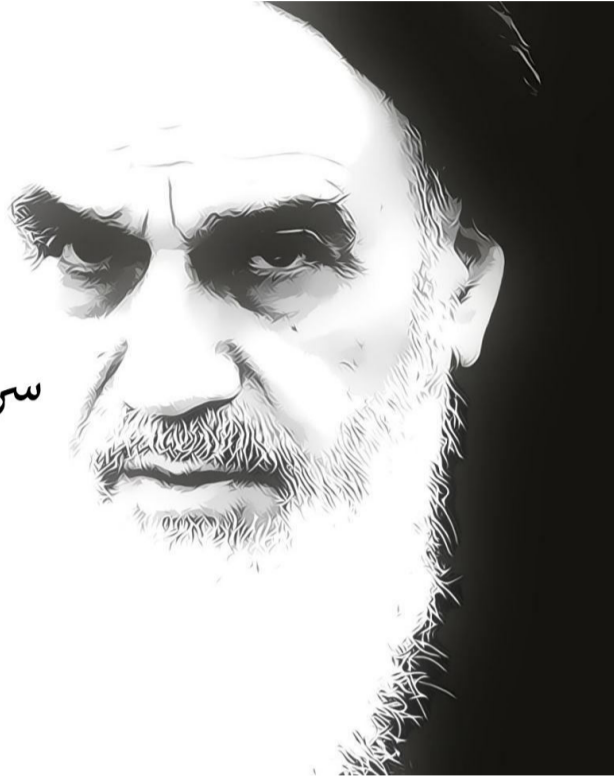
چیزی تغییر نکرده است دیروز خمینی ما را از خطر روحانیون وابسته و مقدس نما و تاجرگرا هم کم نبوده و نیستند و با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام زدند که گویی وظیفه ای غیر از این نداشتند و پدر پیرمان را تکفیر کردند و خون دلی به او دادند که از کسی نخورد آگاه کرد و امروز همان افعی های خوش خط و خال فرزندان روح الله را به خاطر عدالت طلبی و مبارزه با اشراف عمامه به سری که تمام همشان علفشان است به اسم ضدیت با ولایت تکفیر می کنند و بدا به حالشان که ما فرزندان خمینی از پدر پیرمان آموختیم اگر هزاران بار در راه مبارزه با ظلم و فساد و اشرافیت تکه تکه شویم باز دست از مبارزه بر نخواهیم داشت و تا انتقام پدر پیرمان را از آنها نگیریم آرام نخواهیم نشست، پس تمام کینه انقلابی خودمان را در سینه حبس می کنیم تا به وقت مناسب این کینه مقدس را با نابودی تمامی اشراف (فارغ از این که عمامه داشته باشد یا نه یا عمامه اش را جلو پیشانی اش بگذارد یا عقب) از سینه بزدااییم. و ما برای آن مقاتله آخرین که نه با لیبرال دموکراسی که با اسلام آمریکایی است لحظه شماری می کنیم پس منتظر باشید که ما هم منتظریم.



کوخ نشین ها

سرمایه این مملکت اند؛

نه کاخ نشین ها!



مستکبران است منحرف کنند. چیزی تغییر نکرده دیروز عده ای فقط عظمت شیعه برایشان مهم بود و هیچ کاری برای براندازی ظلم شاه شیعی نمی کردند و فقط ظاهر بی محتوای دین برایشان مهم بود و امروز عده ای با استدلال معاویه گون خود برای خیره کردن چشم جهانیان قرآن های طلاکوب بر سر نیزه می کنند تا ما را از قرآن دور کنند اما کور خواندند که ما از روح خدا آموختیم که همانگونه که برای از بین رفتن بهابیت باید ریشه های ظلم شاه را خشکاند امروز هم برای از بین رفتن تمام مفاسد که کوچکترینش تار موی دختری مستضعف است باید به ظلم اشرافیت شاهان عمامه به سر رفت. چیزی تغییر نکرده و هنوز منطق ما منطق

فضای یاس همه جا را گرفته بود، می گفتند شاه قدرت دارد و با دست خالی نمی شود مقابل شاه ایستاد؛ در آن دوران، فضای امنیتی ساواک بیداد می کرد و هیچ کس را نای فریاد کشیدن نبود و علما دلخوش به آن بودند که بعد از مدت ها حکومتی شیعه تشکیل شده و در آن حال که علما در نشنگی و سرمستی حکومت شیعی به سر می بردند و از ترس این که مبادا حکومت شیعی شاه دچار تزلزل شود جرات فریاد زدن نداشتند مردی فریاد برآورد که ای علما چه نشسته اید، برخیزید که اسلام در خطر است، به اسم حکومت شیعی آبروی اسلام در حال نابودی است، برخیزید و فریاد زنید که امروز سکوت بزرگترین جرم است.

سیدی از قم قیام کرد و طرحی نو در انداخت، از دینی سخن می گفت متفاوت با دین مرسوم، دینی که اساسش مبارزه با ظلم بود و همه کس با این معیار سنجیده می شد. در منطق او هر کس برای مبارزه قیام کند از هر مسلمانی مسلمان تر است. آن جایی که فریاد می زند که امروز جنگ آغاز شده است:

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم.

و امروز بیشتر از هر روز دیگری تشنه فریاد آن مردی هستم که دوقطبی های مرسوم و پوچ را به هم بریزد و امت حزب الله را از خواب حماقت بیرون کشد و همانگونه که دیروز بر سر حجتیه ای ها فریاد کشید که مبارزه با بهابیت مبارزه اصیل نیست و باید

با ظلم شاه شیعه مبارزه کرد تا بهابیت هم نابود شود امروز فریاد خود را بر سر مردمی که به اسم انقلاب برای حجتیه ای ها کار میکنند بزند که ای به خواب رفتگان از خواب برخیزید، چیزی تغییر نکرده تا بوده اصیل ترین مبارزه، مبارزه فقیران و پابرنه گان و در یک کلام مستضعفان عالم در برابر اشراف و مترفان و در یک کلام مستکبران بوده و هست. چیزی تغییر نکرده و باید کمر بند های مبارزه را محکم بست و مبادا امروز حجتیه ای ها به اسم کار های فرهنگی پوچی چون راهپیمایی های بی خاصیت علیه بی حجاب ها و امر به معروف های تهی از معنای خواهرم حجابت را درست کن فریمان دهند و ما را از راه اصیل انقلاب (یا به تعبیر آن مرد بزرگ اسلام ناب) که همان مبارزه با ظلم و ستم اشراف و

باید ها و نباید ها

دانشجو

دست در دست اشراف

باید هر پدیده ای ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد.

مسابقه ی رفاه میان مسؤولان بی اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه ریزان هزینه کردن اموال عمومی در اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفا تشریفاتی

میدان دادن به عناصری که زنگی و پررویی آنان همه ی گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می گشاید

خلاصه پدیده ی بسیار خطرناک انبوه شدن ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آنرا هزینه ی کسب قدرت سیاسی کنند

و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را هزینه کرده اند گرد می آورند.

اینها و امثال آن نقطه های استفهام برانگیزیست که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می یابد و از کسانی که مزنون به چنین تخلفاتی شناخته می شوند پاسخ می طلبد و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضایی عملکرد قاطعانه برای ریشه کن کردن این فسادها را مطالبه می کند به طور خلاصه لب انتظار از تو دانشجوی آرمانخواه معترض به وضع موجود عدالت خواهی و مطالبه مبارزه با بی عدالتی در همه سطوح دانشگاهی، شهری، کشوری و جهانی می باشد.

بی شک اگر تو به هر بهانه واهی زمین را خالی کنی، دست در دست اشراف زالو صفت گذاشته ای و در جرم آن ها شریکی. حال دیگر خود دانی!!!!

